

The mediating role of executive functions in the relationship between parenting styles and academic success

Azam Akbari Moayer¹

 0000-0000-0000-0000

Salehe Piryaee (PhD)²

 0000-0001-7929-8652

Abstract

This study aimed to investigate the mediating role of executive functions in the relationship between parenting styles (permissive, authoritarian, and authoritative) and academic success of children in Tehran. The statistical population included 9-11 year old boys and girls, from whom 200 were selected through convenience sampling in 1403. The research tools included the Brief Executive Functions Questionnaire, the Baumrind Parenting Questionnaire, and the GPA. Data analysis was performed using structural equation modeling and bootstrap methods. The results showed that permissive parenting style has a significant relationship with academic success through its effect on executive functions. Due to excessive freedom and low supervision, this style can lead to the weakening of skills such as planning and time management and reduce academic success. In contrast, no significant relationship was observed between authoritarian parenting style and academic success mediated by executive functions. Authoritarian parenting styles, with their emphasis on strict control, may reduce children's independence and self-confidence and have a direct negative impact on their academic performance. Also, the results showed that authoritative parenting style has a positive and significant relationship with academic success through strengthening executive functions. This style, by combining emotional support and reasonable expectations, helps improve children's executive functions and promote their academic performance. Overall, the findings indicate the importance of the role of parenting styles in the development of executive functions and its impact on children's academic success. By creating a balance between supervision and freedom, parents can help their children develop executive functions and academic achievement.

Keywords: Executive functions, 9-11 year old boys and girls, parenting styles, academic achievement

1- Master of Science in Psychology, Faculty of Welfare, Tehran, Iran

Azmoayer@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Welfare, Tehran, Iran

piryaei@refah.ac.ir

نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در رابطه سبک‌های فرزندپروری با موفقیت تحصیلی

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

اعظم اکبری معیر^۱

صالحه پیریایی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری (سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) و موفقیت تحصیلی کودکان شهر تهران انجام شد. جامعه آماری شامل کودکان دختر و پسر ۹ تا ۱۱ ساله بود که در سال ۱۴۰۳ از میان آن‌ها ۲۰۰ نفر به روش در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه کارکردهای اجرایی بریف، پرسش‌نامه فرزندپروری بامریند و سنجش معدل بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش معادلات ساختاری و بوت‌استرپ صورت گرفت. نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با موفقیت تحصیلی از طریق تأثیر بر کارکردهای اجرایی رابطه‌ای معنی‌دار دارد. این سبک، به دلیل آزادی بیش‌ازحد و نظارت کم، می‌تواند به تضعیف مهارت‌هایی مانند برنامه‌ریزی و مدیریت زمان منجر شود و موفقیت تحصیلی را کاهش دهد. درمقابل، رابطه معنی‌داری بین سبک فرزندپروری مستبدانه و موفقیت تحصیلی با واسطه‌گری کارکردهای اجرایی مشاهده نشد. سبک مستبدانه، با تأکید بر کنترل شدید، ممکن است استقلال و اعتمادبه‌نفس کودکان را کاهش داده و تأثیر مستقیم منفی بر عملکرد تحصیلی آن‌ها بگذارد. همچنین، نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار با موفقیت تحصیلی از طریق تقویت کارکردهای اجرایی دارد. این سبک، با ترکیب حمایت عاطفی و انتظارات منطقی، به بهبود کارکردهای اجرایی کودکان و ارتقای عملکرد تحصیلی آن‌ها کمک می‌کند. به‌طور کلی، یافته‌ها نشان‌دهنده اهمیت نقش سبک‌های فرزندپروری در توسعه کارکردهای اجرایی و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی کودکان است. والدین با ایجاد تعادل میان نظارت و آزادی می‌توانند به رشد کارکردهای اجرایی و پیشرفت تحصیلی فرزندان خود کمک کنند.

کلیدواژه‌ها

موفقیت تحصیلی، کودکان ۹ تا ۱۱ ساله، کارکردهای اجرایی، سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه).

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده رفاه تهران، تهران، ایران

Azmoayer@gmail.com

piryaei@refah.ac.ir

۲- استادیار روان‌شناسی، دانشکده رفاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

کارکردهای اجرایی مهارت‌هایی هستند که به فرد کمک می‌کنند تا افکار و رفتارهای خود را به‌طور هدفمند و هماهنگ مدیریت کند. این مهارت‌ها شامل توانایی‌هایی مانند برنامه‌ریزی، انعطاف‌پذیری شناختی، کنترل هیجانی، توجه، حافظه کاری و خودکنترلی هستند که نقش مهمی در موفقیت فرد در انجام فعالیت‌های روزمره و تصمیم‌گیری‌های هدفمند ایفا می‌کنند (Dawson & Guare, 2018). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کارکردهای اجرایی نه تنها در بهبود تعاملات اجتماعی و مهارت‌های بین‌فردی مؤثرند بلکه ارتباط مستقیمی با موفقیت در حوزه‌های مختلف زندگی، به‌ویژه تحصیل دارند (Monakata & Michelson, 2021). موفقیت تحصیلی یکی از شاخص‌های کلیدی رشد و پیشرفت کودکان و نوجوانان به‌شمار می‌رود. این متغیر به توانایی دانش‌آموز در کسب نمرات مطلوب، یادگیری مفاهیم درسی، تکمیل مؤثر تکالیف و دستیابی به اهداف آموزشی اشاره دارد و نشان‌دهنده مهارت‌های خودتنظیمی، انگیزه یادگیری و بهره‌گیری از کارکردهای اجرایی در محیط آموزشی است. مطالعات نشان می‌دهند که دانش‌آموزانی که مهارت‌های اجرایی قوی دارند، به‌طور مؤثرتری از منابع شناختی خود استفاده می‌کنند، برنامه‌ریزی و سازماندهی یادگیری را بهتر انجام می‌دهند و در کنترل هیجانات و انگیزه‌های خود موفق‌ترند (Valklan et al., 2018; Chen et al., 2015).

علاوه بر نقش مستقیم کارکردهای اجرایی، سبک‌های فرزندپروری والدین نیز تأثیر مهمی بر موفقیت تحصیلی کودکان دارند. سبک‌های فرزندپروری به شیوه‌هایی اطلاق می‌شوند که والدین برای هدایت و تربیت فرزندان خود به‌کار می‌برند و شامل سبک‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه می‌باشند (آلویا و استروتنبرگ، ۲۰۲۲). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک مقتدرانه والدین، با ایجاد تعادل میان حمایت و نظم، مهارت‌های خودتنظیمی، انگیزه یادگیری و عملکرد تحصیلی کودکان را ارتقا می‌دهد، درحالی‌که سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه می‌توانند اثرهای منفی بر موفقیت تحصیلی، سلامت روان و رفتار اجتماعی کودکان داشته باشند (Jiang et al., 2024).

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که کارکردهای اجرایی می‌توانند نقش واسطه‌ای میان سبک‌های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی ایفا کنند. به بیان دیگر، سبک‌های فرزندپروری مثبت با تقویت مهارت‌های اجرایی کودکان، می‌توانند موفقیت تحصیلی آنان را بهبود بخشند و درمقابل، سبک‌های نامطلوب والدین ممکن است باعث کاهش کارکردهای اجرایی و افت عملکرد تحصیلی شود (منصور سهیلی و همکاران، ۲۰۲۰). به همین دلیل، بررسی تعامل سبک‌های فرزندپروری، کارکردهای اجرایی و موفقیت تحصیلی از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند به طراحی مداخلات مؤثر تربیتی و آموزشی کمک کند.

همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تعاملات مثبت والد-کودک، انگیزه خودمختار، شایستگی درک‌شده والدین و حمایت عاطفی خانواده، از طریق افزایش انگیزه یادگیری و تمرکز کودکان، بر موفقیت تحصیلی آنان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارند (عابدی و همکاران، ۲۰۲۰). به علاوه، مداخلات فرزندپروری مثبت می‌تواند در کاهش فرسودگی تحصیلی و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان مؤثر باشد (احسانی و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به پیچیدگی روابط میان این متغیرها، بررسی نقش کارکردهای اجرایی به عنوان متغیر واسطه‌ای در ارتباط سبک‌های فرزندپروری با موفقیت تحصیلی، می‌تواند شناخت عمیق‌تری از فرایندهای روان‌شناختی و آموزشی ارائه دهد و پایه‌ای برای طراحی برنامه‌های تربیتی و آموزشی هدفمند فراهم کند. با توجه به شواهد موجود، سبک‌های فرزندپروری والدین و کارکردهای اجرایی کودکان نقش مهمی در موفقیت تحصیلی دارند. هرچند مطالعات متعددی به تأثیر جداگانه این متغیرها پرداخته‌اند؛ اما نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در ارتباط میان سبک‌های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی به طور جامع بررسی نشده است. از سوی دیگر، در بسیاری از مدارس، مشکلاتی همچون افت تحصیلی، فرسودگی تحصیلی و کاهش انگیزه یادگیری کودکان مشاهده می‌شود که می‌تواند ناشی از سبک‌های فرزندپروری نامطلوب و ضعف در کارکردهای اجرایی کودکان باشد. عدم شناخت دقیق این روابط، موجب می‌شود برنامه‌ریزی مؤثر برای مداخلات تربیتی و آموزشی ناکافی باشد.

در کنش متقابل با این بستر محیطی، خانواده به عنوان نخستین و بی‌واسطه‌ترین زمینه‌ای که کودک در آن رشد می‌یابد، نقشی بنیادین ایفا می‌کند. در این میان، نظریه کندل درباره

فرزندپروری آشکار ساخت که رفتارها و سبک‌های والدین نه صرفاً در قالب یک عامل زمینه‌ای، بلکه به مثابه یک نیروی فعال و تأثیرگذار در تعیین مسیر تحول روانی و رفتاری کودکان عمل می‌کنند. یافته‌های پژوهشی کندل گویای آن است که مصرف مواد توسط والدین، به ویژه در خانواده‌هایی که از سبک‌های فرزندپروری مستبدانه یا بی‌توجه پیروی می‌کنند، آثار منفی و پایداری بر مشکلات رفتاری فرزندان بر جای می‌گذارد. درمقابل، والدینی که از سبک‌های حمایتی، توأم با مهربانی و پذیرش بهره می‌گیرند، فرزندانی سازگارتر و با سلامت روان بیشتر پرورش می‌دهند (Kandel, 1990).

به منظور تبیین دقیق‌تر این تأثیرات، لازم است خود مفهوم سبک فرزندپروری با عنایت به پژوهش‌های بنیادین و چهارچوب‌های نظری معتبر بازشناسی شود. از این رو، پژوهش‌های کلاسیک دیانا بامریند در دهه ۱۹۶۰ میلادی همچنان منبع اصلی و قابل اتکایی برای تعریف و طبقه‌بندی الگوهای فرزندپروری به شمار می‌رود. بامریند سبک فرزندپروری را متشکل از الگوهای نسبتاً پایدار تربیتی تعریف می‌کند که چگونگی پاسخگویی والدین به نیازهای فرزند و نیز شیوه ابراز انتظارات و کنترل آنان را مشخص می‌سازد. وی با تلفیق دو بُعد بنیادین پذیرش (گرمی و پاسخگویی) و کنترل (مطالبه‌گری)، سه سبک فرزندپروری متمایز را شناسایی کرد:

۱) سبک مقتدرانه: این سبک که ترکیب بهینه‌ای از انتظارات بالا و حمایت عاطفی قوی است، به عنوان موفق‌ترین الگوی فرزندپروری معرفی می‌شود. والدین مقتدر ضمن وضع قوانین روشن و منطقی، با فرزند خود گفت‌وگو کرده و استقلال‌طلبی او را محترم می‌شمارند. پژوهش‌ها پیامدهای مثبت این سبک از جمله رشد مهارت‌های اجتماعی و عاطفی، عملکرد تحصیلی بهتر و خودکنترلی مؤثر را تأیید کرده‌اند.

۲) سبک مستبدانه: این سبک با کنترل بالا و پذیرش و گرمی پایین تعریف می‌شود. والدین مستبد قوانین سختگیرانه را بدون ارائه توجیه اعمال کرده، بر اطاعت محض تأکید می‌ورزند و نسبت به نیازهای عاطفی کودک بی‌اعتنا یا طردکننده هستند. چنین شیوه‌ای با پیامدهایی چون مهارت‌های اجتماعی ضعیف، اضطراب، کم‌رویی و کاهش عزت نفس در کودکان همراه است.

۳) سبک سهل‌گیرانه: این الگو با سطح بالای پذیرش و محبت؛ اما کنترل و انتظارات پایین والدین مشخص می‌شود. والدین سهل‌گیر با وجود گرمی فراوان، در وضع قواعد و اجرای انضباط ناسازگار عمل کرده و اغلب در برابر خواسته‌های کودک تسلیم می‌شوند. هرچند این سبک ممکن است به خودمختاری و خلاقیت ظاهری بینجامد؛ اما اغلب با چالش‌هایی در خودکنترلی، مسئولیت‌پذیری و پذیرش اقتدار در کودکان همراه است.

درمجموع، چهارچوب نظری بامریند و یافته‌های تکمیلی پژوهشگرانی چون کندل همگی بر این نکته اجماع دارند که سبک مقتدرانه که در آن قاطعیت با حمایت عاطفی توأم می‌شود، با مطلوب‌ترین پیامدهای رشدی برای کودکان مرتبط است.

با این حال، تحول مطلوب رفتاری و انطباق‌یافتگی روانی صرفاً در گرو سبک‌های فرزندپروری نیست بلکه مستلزم برخورداری از مهارت‌های شناختی پیچیده‌ای است که فرد را برای مواجهه با موقعیت‌های گوناگون زندگی مجهز می‌سازد. در این زمینه، نظریه کارکردهای اجرایی دایموند چهارچوبی تعیین‌کننده برای فهم توانمندی‌های شناختی مورد نیاز کودکان به‌دست می‌دهد. دایموند کارکردهای اجرایی را مجموعه‌ای از مهارت‌های عالی شناختی تعریف می‌کند که فرد را در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و حل مسئله، به‌ویژه در برابر موقعیت‌های چالش‌برانگیز و جدید، یاری می‌رسانند.

این نظریه عمدتاً پنج مهارت محوری را دربرمی‌گیرد: حافظه‌ی کاری (نگهداری و پردازش هم‌زمان اطلاعات)، کنترل تکانه (مهار پاسخ‌های خودکار و نابهنگام)، انعطاف‌پذیری شناختی (تغییر دیدگاه و تطبیق با مقتضیات جدید)، توجه متمرکز (حفظ دقت و پایداری در پردازش اطلاعات)، و برنامه‌ریزی (سازماندهی گام‌های منجر به هدف). دایموند که مطالعات خود را به‌طور ویژه بر دوران پیش‌دبستانی و دبستانی متمرکز کرده است، بر اهمیت حیاتی پرورش این مهارت‌ها برای موفقیت تحصیلی و تعاملات اجتماعی مؤکد می‌ورزد (Diamond, 2013).^۱ و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل مقایسه‌ای بین عملکرد اجرایی اندازه‌گیری شده مستقیم و ارزیابی شده توسط والدین: پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی کودکان» در یک مطالعه طولی یک‌ساله نشان دادند که در مقایسه نقش پیش‌بینی‌کننده عملکرد

اجرایی که مستقیماً اندازه‌گیری و ارزیابی شده توسط والدین، عملکرد اجرایی که مستقیماً اندازه‌گیری شده نقش مهم‌تری در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی ایفا کرد، درحالی‌که عملکرد اجرایی ارزیابی شده توسط والدین نقش بیشتری در پیش‌بینی رشد اجتماعی داشت. دوم، عملکرد اجرایی ارزیابی شده توسط والدین در درجه اول از طریق شایستگی اجتماعی و جایگاه همسالان بر رفتار اجتماعی تأثیر گذاشت، و شایستگی اجتماعی نقش واسطه‌ای مهم‌تری نسبت به جایگاه همسالان ایفا کرد.

ناسا و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «سهم سبک فرزندپروری و کارکرد اجرایی والدین در توسعه کارکرد اجرایی کودکان پیش‌دبستانی در خانواده‌های میانگ کابائو نشان دادند که سبک فرزندپروری و کارکرد اجرایی مادران تأثیر معناداری بر کارکرد اجرایی کودکان پیش‌دبستانی دارد. از نتایج پردازش داده‌ها، همچنین مشخص شد که سبک فرزندپروری و کارکرد اجرایی سهمی معادل ۱۲.۱ درصد در توسعه سطح کارکرد اجرایی کودکان پیش‌دبستانی دارند.

بخشوده و نکویی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «رابطه شیوه‌های فرزندپروری مثبت و شایستگی هیجانی و اجتماعی در دانش‌آموزان: نقش میانجی کارکردهای اجرایی» نشان دادند که میان شایستگی‌های هیجانی و اجتماعی و مؤلفه‌های کارکردهای اجرایی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین، رابطه فرزندپروری با ابعاد کارکردهای اجرایی نیز مثبت است. بنابراین از آنجایی‌که رابطه میان فرزندپروری با شایستگی‌ها به صورت مستقیم و نیز با میانجی‌گری ابعاد کارکرد اجرایی به شکلی غیرمستقیم معنادار است، در نتیجه نقش میانجی به شکل ناقص (ناکامل) است. مطالعه حاضر شواهدی را ارائه می‌دهد که فرزندپروری مثبت ممکن است به عنوان یک مسیر مطلوب جهت مداخله عمل کند. به این ترتیب، تمرکز بر کارکرد اجرایی کودک و فرزندپروری به صورت جداگانه ممکن است در زمینه شایستگی رفتاری کودک کمتر مؤثر باشد. درواقع، برنامه‌های آموزشی والدین که آنها را در یادگیری محتوای مرتبط با رشد فرزندشان درگیر می‌کند، استفاده از شیوه‌های مؤثر و فرصت‌های یادگیری را افزایش می‌دهد.

چونگ^۱ و همکاران (۲۰۲۵)، در پژوهشی با عنوان «ارتباط بین کارکرد اجرایی و پیشرفت تحصیلی در کودکانی که قبل از تولد در معرض الککل قرار گرفته‌اند» نشان دادند که عملکرد تحصیلی با رتبه‌بندی‌های بریف ۲ از مهارت‌های کارکرد اجرایی در مدرسه و معیارهای مستقیم کارکرد اجرایی مرتبط است. گذشته از چند مورد استثنا، معیارهای مستقیم و غیرمستقیم از یک مهارت کارکرد اجرایی همبستگی نداشتند.

کیین^۲ و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان «سبک فرزندپروری و عملکرد اجرایی کودکان خردسال، واسطه رابطه بین استرس فرزندپروری و کیفیت فرزندپروری در خانواده‌های دو فرزندی»، نشان دادند که استرس فرزندپروری تأثیر پیش‌بینی‌کننده منفی بر کیفیت فرزندپروری دارد؛ سبک‌های فرزندپروری مردم‌سالارانه، لوس، سهل‌گیر و مستبد تا حدی رابطه بین استرس فرزندپروری و کیفیت فرزندپروری را میانجی‌گری می‌کنند. کارکرد اجرایی دوران کودکی تا حدی رابطه بین استرس فرزندپروری و کیفیت فرزندپروری را میانجی‌گری می‌کند. درنهایت، سبک‌های فرزندپروری لوس، مردم‌سالارانه، سهل‌گیر و مستبد و کارکرد اجرایی کودکان خردسال نقش واسطه‌ای زنجیره‌ای بین استرس فرزندپروری و کیفیت فرزندپروری ایفا می‌کنند.

به‌طورکلی، پژوهش حاضر با ترکیب مبانی نظری و شواهد تجربی، می‌تواند به درک بهتر سازوکارهای زیربنایی رشد شناختی، کارکردهای اجرایی و موفقیت تحصیلی کودکان و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی برای خانواده‌ها و مدارس منجر شود. این اهمیت دوگانه، یعنی هم تقویت نظریه‌ها و مدل‌های مفهومی موجود و هم ارائه راهکارهای عملی قابل اجرا، ضرورت انجام پژوهش حاضر را روشن می‌سازد.

روش پژوهش

روش پژوهش، کاربردی از نوع همبستگی به شیوه الگویابی معادلات ساختاری (SEM) است. این روش به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که به‌طور همزمان مجموعه‌ای از معادلات رگرسیونی را مورد آزمایش قرار دهد. پژوهشگر در این پژوهش گردآوری داده‌ها را

1- Cheung

2- Qian

به‌وسیله پرسش‌نامه و از جزء به کل آغاز می‌کند و درنهایت با تحلیل داده‌های به‌دست آمده به بررسی فرضیات می‌پردازد؛ بنابراین رویکرد پژوهش از نوع کمی است. هدف از این نوع پژوهش، بررسی ارتباط میان متغیرهای سبک‌های فرزندپروری، کارکردهای اجرایی کودکان و موفقیت تحصیلی است. همچنین، این پژوهش به دنبال کشف نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در این ارتباط است. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه‌های استاندارد جمع‌آوری می‌شود. تحلیل داده‌ها به‌صورت کمی و با استفاده از روش‌های آماری انجام می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پایه‌های دوم تا ششم ابتدایی مدارس مناطق ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است.

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا، همبستگی از نوع معادلات ساختاری است. از آنجاکه در روش مدلیابی معادلات ساختاری (SEM) حجم نمونه باید برای برآورد مؤلفه‌ها کافی و معرف جامعه باشد، بر اساس معیار کوهن (۱۹۸۸) حداقل حجم نمونه ۲۰۰ نفر تعیین شد. جامعه آماری شامل کلیه مادران دانش‌آموزان مقطع ابتدایی (پایه‌های دوم تا ششم) در شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود. روش نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس^۱ انجام شد. برای گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ها به‌صورت برخط طراحی و از طریق پیوند پرسش‌نامه در پرس‌لاین در دسترس شرکت‌کنندگان قرار گرفت. پیوند مربوطه در چندین گروه مجازی مادران دانش‌آموزان (در پیام‌رسان‌های واتساپ و تلگرام) که از مدارس مناطق مختلف شهر تهران عضو بودند، منتشر شد.

پیش از شروع پاسخ‌دهی، در صفحه آغازین پرسش‌نامه توضیحاتی درباره هدف پژوهش، محرمانه بودن اطلاعات، و داوطلبانه بودن مشارکت ارائه شد و تنها مادرانی که رضایت آگاهانه خود را اعلام کردند وارد مطالعه شدند. به دلیل آنکه پرسش‌نامه‌ها ماهیت والدمحور^۲ داشتند، صرفاً از مادران درخواست شد کاربرگ‌ها را تکمیل کنند. درنهایت، از مجموع پرسش‌نامه‌های دریافتی، ۲۰۰ پرسش‌نامه کامل و معتبر جهت تحلیل آماری مورد

1- Convenience Sampling

2- Parent-Rated

استفاده قرار گرفت. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند و پرسش‌نامه کارکردهای اجرایی بریف^۱ بود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری است. در روش توصیفی - همبستگی از پرسش‌نامه استفاده شد. روش آماری به‌کاررفته در این پژوهش روش آماری معادلات ساختاری و همبستگی پیرسون است و از نرم‌افزار SPSS و AMOS جهت تحلیل داده‌ها استفاده شده است. مدل معادلات ساختاری از روش‌های جدید آماری و یکی از قویترین روش‌های تجزیه و تحلیل چندمتغیره است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه همزمان مورد آزمون قرار دهد. از این روش چندمتغیری برای مطالعه روابط بین متغیرها استفاده می‌شود؛ بنابراین از خانواده همبستگی‌ها به‌شمار می‌رود و کاربرد اصلی آن در موضوعات چندمتغیره‌ای است که نمی‌توان آنها را به شیوه دومتغیری با در نظر گرفتن هر بار یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته انجام داد. تجزیه و تحلیل چندمتغیره به مجموعه‌ای از روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاق می‌شود که ویژگی اصلی آنها، تجزیه و تحلیل همزمان چند متغیر مستقل با چند متغیر وابسته است. معادلات ساختاری همچون یک الگوی آماری به بررسی روابط بین متغیرهای پنهان و آشکار (مشاهده شده) می‌پردازد. سازه‌ها یا متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده‌شده، دو مفهوم اساسی در تحلیل‌های آماری به‌ویژه بحث تحلیل عاملی و مدل‌یابی معادلات ساختاری هستند. متغیرهای پنهان که از آنها تحت عنوان متغیر مکنون نیز یاد می‌شود، متغیرهایی هستند که به‌صورت مستقیم قابل مشاهده نیستند.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

پیش از انجام تحلیل‌های استنباطی، پیش‌فرض نرمال بودن متغیرهای پژوهش با استفاده از شاخص‌های کجی^۲ و کشیدگی^۳ استفاده شد. کجی، شاخص تقارن توزیع است. کجی مثبت بیان‌گر این است که میانگین توزیع در سمت راست توزیع قرار گرفته است و کجی

1- Brief
2- Skewness
3- Kurtosis

منفی نشان می‌دهد که میانگین توزیع در سمت چپ توزیع قرار دارد. کشیدگی، شاخص بلندی کلی توزیع است. کشیدگی مثبت که کشیدگی در انحنا نیز نامیده می‌شود، نشان‌دهنده قله‌ای در مرکز توزیع است. کشیدگی منفی به معنی پخی یا پهنای کشیدگی است و توزیع کاملاً پخ و یا مسطح را نشان می‌دهد. متغیری که توزیع نرمال دارد (یعنی متغیری که پهنای متوسط دارد)، اندازه‌های کجی و کشیدگی آن حدود صفر است. باوجوداین مقادیر عددی در بازه ۲ و ۲- برای کجی و کشیدگی نیز قابل قبول است. در جدول شماره ۱ شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

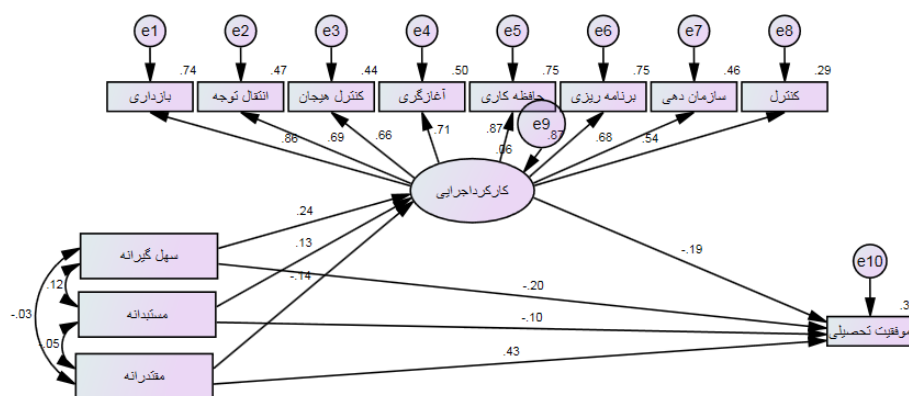
جدول شماره ۱: شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

متغیر	کجی	کشیدگی
بازداری	۰/۳۶	۰/۱۸
انتقال توجه	-۰/۲۷	-۰/۴۴
کنترل هیجانی	۰/۳۵	۰/۶۵
آغازگری	-۰/۱۱	-۰/۲۱
حافظه کاری	-۰/۴۱	-۰/۳۵
برنامه‌ریزی	-۰/۲۲	-۰/۳۷
سازماندهی	-۰/۱۳	-۰/۲۰
کنترل	-۰/۴۴	-۰/۵۷
کارکرد اجرایی کلی	۰/۳۰	۰/۳۷
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۷۹	۰/۷۱
سبک فرزندپروری مستبدانه	-۰/۱۸	-۰/۸۴
سبک فرزندپروری مقتدرانه	-۰/۲۳	-۰/۲۰
موفقیت تحصیلی	۰/۶۴	۰/۲۵

همان‌گونه که از نتایج جدول فوق قابل مشاهده است، شاخص کجی و کشیدگی هیچ‌کدام از متغیرهای پژوهش بالاتر از ۲ و ۲- نیست؛ بنابراین پیش فرض نرمال بودن متغیرهای پژوهش تأیید است.

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش

به‌منظور ارائه نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی کودکان در رابطه سبک‌های فرزندپروری با موفقیت تحصیلی از روش معادلات ساختاری استفاده شد. برای بررسی برازش مدل از شاخص‌هایی که گیفن، اشتراپ و بودرئو^۱ (۲۰۰۰) مطرح نموده‌اند استفاده شد. این شاخص‌ها شامل موارد زیر هستند: X^2/df که مقادیر ۱ تا ۵ قابل‌پذیرش هستند، شاخص نیکویی برازش^۲ (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI) و شاخص برازش تطبیقی^۳ (CFI) که مقادیر بیشتر از ۰/۹۰ نشانگر برازش مناسب الگوی هستند، شاخص برازش فزاینده^۴ (IFI) که مقادیر بیشتر از ۰/۶ نشانگر برازش مناسب الگوی هستند و شاخص برازش بهنجار^۵ (NFI) مقادیر بالای ۰/۹۰ این شاخص نشان‌دهنده برازش مطلوب و مقدار یک نشانگر برازش کامل است؛ همچنین ریشه میانگین مجزورات تقریب (RMSEA) بین ۰ تا ۰/۰۵ (بیانگر برازش خوب) و یا ۰/۰۵ تا ۰/۱۰ (بیانگر برازش قابل‌قبول) باشد که در جدول شماره ۲ نتایج ارائه شده است.



نمودار شماره ۱: مدل پیشنهادی نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی کودکان در رابطه سبک‌های فرزندپروری با موفقیت تحصیلی

- 1- Gefen, Straub & Boudreau
- 2- Goodness of Fit Index
- 3- Comparative Fit Index
- 4- Incremental Fit Index
- 5- Normal fit Index

جدول شماره ۲: شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی پژوهش

نوع شاخص	شاخص‌ها	مقدار به دست آمده	مقدار قابل قبول
شاخص‌های مطلق	کای اسکور هنجار شده CMIN	۱۰۴۹/۹۸۴	-
	درجه آزادی	۴۸	-
	CMIN/DF	۱/۹۶	کمتر از ۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۱	-
	ریشه میانگین مجزورات خطای تقریب RMSEA	۰/۰۶۹	کمتر از ۰/۰۸
	شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)	۰/۹۵۳	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص‌های نسبی	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده یا انطباقی (AGFI)	۰/۹۰۲	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص برازش مقتصد (PCFI)	۰/۷۹۳	بیشتر از ۰/۶۰
	شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)	۰/۶۶۲	بیشتر از ۰/۶۰
	شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۵۴	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۲۷	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۱۰	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص برازش توکر-لویس (TLI)	۰/۹۳۵	بیشتر از ۰/۹۰

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، پس از بررسی ضرایب مسیرهای مستقیم، شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفت. نخست برازش مدل پیشنهادی براساس شاخص‌های برازندگی ارزیابی شده است.

طبق مندرجات جدول شماره ۳ مقادیر شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی، مانند شاخص نیکویی برازش (GFI=۰/۹۲۷)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI = ۰/۹۱۰)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI=۰/۹۵۳)، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI ۰/۹۰۲) (=، شاخص برازندگی افزایشی (IFI=۰/۹۵۴)، شاخص توکر-لویس (TLI = ۰/۹۳۵) و ریشه میانگین مجزورات خطای تقریب (RMSEA = ۰/۰۶۹) نشان دادند که مدل پیشنهادی از برازش خوبی برخوردار است.

جدول شماره ۳: شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی پژوهش

نوع شاخص	شاخص‌ها	مقدار به دست آمده	مقدار قابل قبول
شاخص‌های تطبیق	کای اسکوئر هنجار شده CMIN	۱۰۴۹/۹۸۴	-
	درجه آزادی	۴۸	-
	CMIN/DF	۱/۹۶	کمتر از ۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۱	-
	ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب RMSEA	۰/۰۶۹	کمتر از ۰/۰۸
	شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)	۰/۹۵۳	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص‌های تناسب	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده یا انطباقی (AGFI)	۰/۹۰۲	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص برازش مقتصد (PCFI)	۰/۷۹۳	بیشتر از ۰/۶۰
	شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)	۰/۶۶۲	بیشتر از ۰/۶۰
	شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۵۴	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۲۷	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۱۰	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص برازش توکر-لویس (TLI)	۰/۹۳۵	بیشتر از ۰/۹۰

فرضیه کلی

مدل مفروض، نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی کودکان در رابطه سبک‌های فرزندپروری با موفقیت تحصیلی برازنده داده‌ها است.

با توجه به مقادیر شاخص‌های برازندگی مربوط به مدل پیشنهادی که در جدول شماره ۳ آورده شده است، این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت و مدل مورد نظر دارای برازش مطلوبی با داده‌ها است.

همان‌طور که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود ضرایب مسیر مستقیم و جهت آن‌ها مشخص شده است. جدول شماره ۴ مؤلفه‌های اندازه‌گیری روابط مستقیم را در مدل پیشنهادی پژوهش حاضر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: مؤلفه‌های اندازه‌گیری روابط مستقیم را در مدل پیشنهادی پژوهش

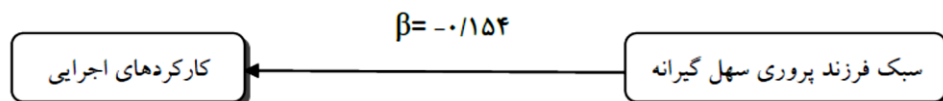
مسیرهای مستقیم	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی (C.R.)	معناداری
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ← کارکرد اجرایی	-۰/۱۵۴	-۰/۲۳۰	۰/۱۰۸	-۲/۱۲	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری مستبدانه ← کارکرد اجرایی	۰/۱۳۴	۰/۱۲۳	۰/۰۶۶	۱/۸۵	۰/۰۶۳
سبک فرزندپروری مقتدرانه ← کارکرد اجرایی	۰/۱۴۵	۰/۱۴۹	۰/۰۷۴	۲/۰۱	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ← موفقیت تحصیلی	-۰/۲۰۲	-۰/۰۷۸	۰/۰۲۳	۳/۳۲	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری مستبدانه ← موفقیت تحصیلی	-۰/۰۹۵	-۰/۰۲۳	۰/۰۱۴	۱/۵۶	۰/۱۱۷
سبک فرزندپروری مقتدرانه ← موفقیت تحصیلی	۰/۴۲۶	۰/۱۱۳	۰/۰۱۶	۷/۰۶	۰/۰۰۱
کارکرد اجرایی ← موفقیت تحصیلی	۰/۱۸۸	۰/۰۴۹	۰/۰۱۷	۲/۹۱	۰/۰۰۱

همان‌طور که مندرجات جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، وزن‌های استاندارد رگرسیون (β) و معنی‌داری هر یک از آن‌ها (P) آورده شده است.

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد ضرایب بتا (β) و همچنین سطح معنی‌داری (P) آن‌ها برای مسیر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به کارکرد اجرایی $\beta = -0.154$ ($P \leq 0.001$)، برای مسیر سبک فرزندپروری مستبدانه به کارکرد اجرایی $\beta = 0.134$ ($P \geq 0.063$)، برای مسیر سبک فرزندپروری مقتدرانه به کارکرد اجرایی $\beta = 0.145$ ($P \leq 0.001$)، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به موفقیت تحصیلی $\beta = -0.202$ ($P \leq 0.001$)، سبک فرزندپروری مستبدانه به موفقیت تحصیلی $\beta = -0.095$ ($P \geq 0.117$)، سبک فرزندپروری مقتدرانه به موفقیت تحصیلی $\beta = 0.426$ ($P \leq 0.001$) و مسیر کارکردهای اجرایی به موفقیت تحصیلی $\beta = 0.188$ ($P \leq 0.001$) است.

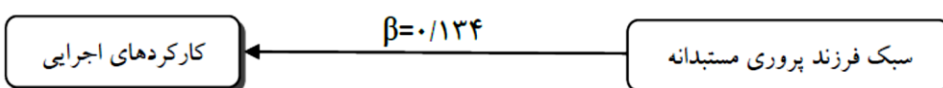
یافته‌های مربوط به فرضیه‌های مستقیم

۱- بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با کارکردهای اجرایی رابطه وجود دارد.



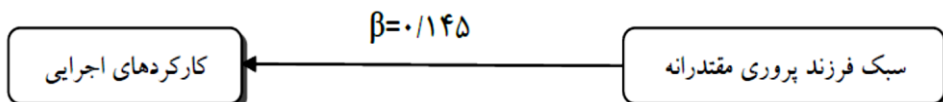
بر طبق مندرجات جدول شماره ۴، ضریب مسیر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به کارکردهای اجرایی، منفی و معنی‌دار است ($\beta = -.0154, P \leq .001$). این یافته، فرضیه ۱ پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

۲- بین سبک فرزندپروری مستبدانه با کارکردهای اجرایی رابطه وجود دارد.



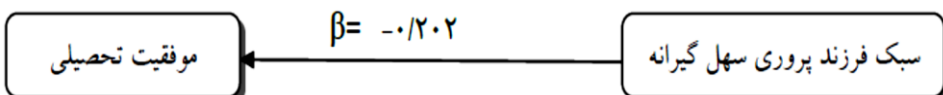
برطبق جدول شماره ۴، ضریب مسیر سبک فرزندپروری مستبدانه به کارکردهای اجرایی، معنی‌دار نیست. $\beta = .0134$ ($p \geq .063$)، این یافته، فرضیه ۲ پژوهش حاضر را تأیید نمی‌کند.

۳- بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با کارکردهای اجرایی رابطه وجود دارد.



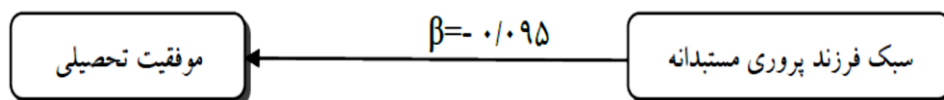
برطبق مندرجات جدول شماره ۴، ضریب مسیر سبک فرزندپروری مقتدرانه به کارکردهای اجرایی، مثبت و معنی‌دار است ($\beta = .0145, P \leq .001$). این یافته، فرضیه ۳ پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

۴- بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.



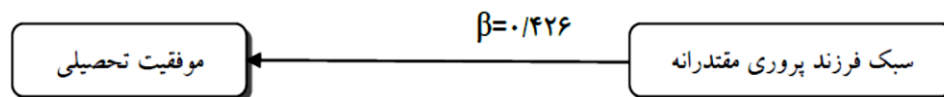
برطبق مندرجات جدول شماره ۴، ضریب مسیر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و موفقیت تحصیلی، منفی و معنی‌دار است ($\beta = -0/202, P \leq 0/0005$) این یافته، فرضیه ۴ پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

۵- بین سبک فرزندپروری مستبدانه و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.



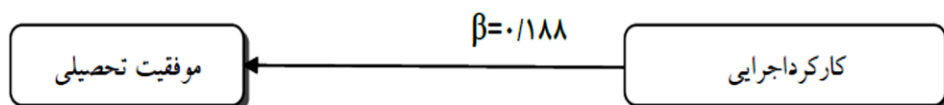
برطبق مندرجات جدول شماره ۴ ضریب مسیر سبک فرزندپروری مستبدانه و موفقیت تحصیلی، مثبت و معنی‌دار نیست. $\beta = -0/095$ ($p \geq 0/117$). این یافته، فرضیه ۵ پژوهش حاضر تأیید نمی‌کند.

۶- بین سبک فرزندپروری مقتدر و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.



برطبق مندرجات جدول شماره ۴ ضریب مسیر سبک فرزندپروری مقتدرانه و موفقیت تحصیلی، مثبت و معنی‌دار است ($\beta = 0/426, P \leq 0/0001$) این یافته، فرضیه ۶ پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

۷- بین کارکرد اجرایی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.



برطبق مندرجات جدول شماره ۴ ضریب مسیر کارکرد اجرایی و موفقیت تحصیلی، مثبت و معنی‌دار است ($\beta = 0/188, P \leq 0/0001$) این یافته، فرضیه ۷ پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

نتایج روش بوت استروپ برای بررسی مسیرهای میانجی یا غیرمستقیم در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول شماره ۵: نتایج بوت استراپ رابطه غیرمستقیم نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی کودکان در رابطه سبک‌های فرزندپروری با موفقیت تحصیلی

معناداری	ضرایب استاندارد غیرمستقیم		مسیر غیرمستقیم
	حد بالا	حد پایین	
۰/۰۰۱	-۰/۰۲۸۹	-۰/۰۰۱۶	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ← کارکردهای اجرایی ← موفقیت تحصیلی
۰/۰۵۳	۰/۰۰۱۱	-۰/۰۱۴۹	سبک فرزندپروری مستبدانه ← کارکردهای اجرایی ← موفقیت تحصیلی
۰/۰۰۱	۰/۰۱۱۲	۰/۰۰۰۹	سبک فرزندپروری مقتدرانه ← کارکردهای اجرایی ← موفقیت تحصیلی

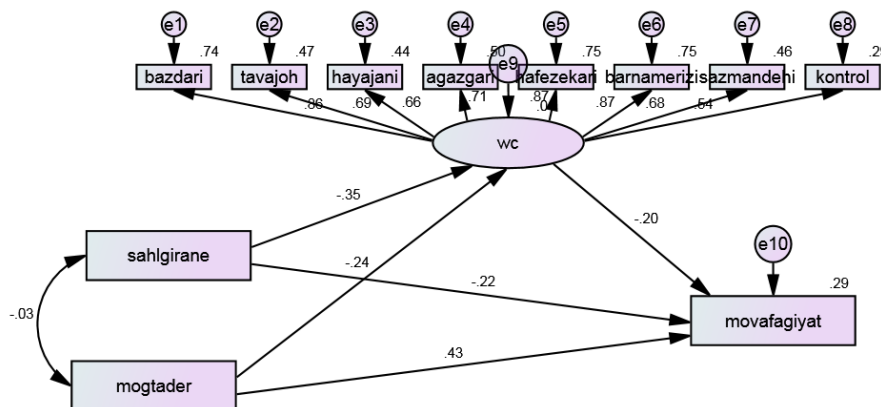
برای تعیین معنی‌داری رابطه غیرمستقیم نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی کودکان در رابطه سبک‌های فرزندپروری با موفقیت تحصیلی از روش بوت استراپ استفاده شد. براساس جدول شماره ۵ نتایج بوت استراپ آمده است، در این روش چنانچه حد بالا و پایین این آزمون هر دو مثبت یا هر دو منفی باشد و صفر مابین این دو حد قرار نگیرد در آن‌صورت مسیر علی غیرمستقیم معنی‌دار خواهد بود. مطابق نتایج جدول شماره ۵ این قاعده در مورد سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر موفقیت تحصیلی از طریق نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی حد پایین فاصله اطمینان $-۰/۰۰۱۶$ و حد بالای آن $-۰/۰۲۸۹$ - است که صفر را دربرنمی‌گیرد و معنی‌دار است. در مورد سبک فرزندپروری مستبدانه بر موفقیت تحصیلی از طریق نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی حد پایین فاصله اطمینان $-۰/۰۱۴۹$ و حد بالای آن $۰/۰۰۱۱$ است که صفر را دربرمی‌گیرد و معنی‌دار نیست. همچنین در مورد سبک فرزندپروری مقتدرانه بر موفقیت تحصیلی از طریق نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی حد پایین فاصله اطمینان $۰/۰۰۰۹$ و حد بالای آن $۰/۰۱۱۲$ است که صفر را دربرنمی‌گیرد و معنی‌دار است.

مدل اصلاح شده و نهایی پژوهش

پس از بررسی ضرایب مسیرها در مدل اولیه، مشخص شد که مسیرهای مربوط به سبک فرزندپروری مستبدانه و کارکردهای اجرایی و سبک فرزندپروری مستبدانه و موفقیت تحصیلی معنادار نبوده‌اند ($p > 0.05$)

براین اساس، به منظور بهبود برازش مدل، این مسیرها از مدل حذف شدند و مدل اصلاح شده مجدداً برازش گردید.

نمودار شماره ۲ مدل اصلاح شده پژوهش را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۲: مدل اصلاح شده پژوهش

جدول شماره ۶: شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی پژوهش

نوع شاخص	شاخص‌ها	مقدار به دست آمده	مقدار قابل قبول
شاخص‌های مطلق	کای اسکور هنجار شده CMIN	۱۰۳۵/۵۸۴	-
	درجه آزادی	۴۱	-
	CMIN/DF	۲/۱۸	کمتر از ۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۱	-
ریشه میانگین مجزورات خطای تقریب RMSEA		۰/۰۷۳	کمتر از ۰/۰۸

نوع شاخص	شاخص‌ها	مقدار به دست آمده	مقدار قابل قبول
شاخص‌های نسبی	شاخص برآزش مقایسه‌ای (CFI)	۰/۹۵۰	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص نیکویی برآزش تعدیل شده یا انطباقی (AGFI)	۰/۹۰۰	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص برآزش مقتصد (PCFI)	۰/۷۰۸	بیشتر از ۰/۶۰
	شاخص برآزش هنجار شده مقتصد (PNFI)	۰/۶۸۱	بیشتر از ۰/۶۰
	شاخص برآزندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۵۱	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص نیکویی برآزش (GFI)	۰/۹۲۴	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص برآزش هنجار شده (NFI)	۰/۹۱۳	بیشتر از ۰/۹۰
	شاخص برآزش توکر-لویس (TLI)	۰/۹۳۳	بیشتر از ۰/۹۰

شاخص‌های فوق نشان می‌دهند که مدل اصلاح شده از برآزش مطلوبی برخوردار است و حذف مسیرهای غیرمعنادار تأثیری منفی بر برآزش کلی مدل نداشته است.

جدول شماره ۷: ضرایب استاندارد مسیرهای نهایی

مسیرهای مستقیم	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی (C.R)	معناداری
سبک فرزندپروری سهل گیرانه ← کارکرد اجرایی	-۰/۱۳۷	-۰/۲۰۵	۰/۱۰۸	-۱/۸۹	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری مقتدرانه ← کارکرد اجرایی	۰/۱۵۱	۰/۱۵۵	۰/۰۷۴	۲/۰۸	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری سهل گیرانه ← موفقیت تحصیلی	-۰/۲۱۶	-۰/۰۸۳	۰/۰۲۳	۳/۵۶	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری مقتدرانه ← موفقیت تحصیلی	۰/۴۲۹	۰/۱۱۳	۰/۰۱۶	۷/۰۶	۰/۰۰۱
کارکرد اجرایی ← موفقیت تحصیلی	۰/۲۰۱	۰/۰۵۲	۰/۰۱۷	-۳/۱۴	۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد پس از حذف مسیرهای غیرمعنادار مربوط به سبک فرزندپروری مستبدانه و بازبرازش مدل، ضرایب مسیرهای باقی‌مانده کمی تغییر کردند. این تغییرات جزئی طبیعی است و تأثیری بر نتایج کلی پژوهش ندارد؛ زیرا مسیرهای معنادار و اصلی مدل حفظ شده‌اند؛ بنابراین مدل اصلاح‌شده هم از نظر آماری و هم از نظر مفهومی معتبر و قابل اعتماد است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت، ابتدا یافته‌های مربوط به فرضیه‌های مستقیم و سپس فرضیه‌های غیرمستقیم ارائه می‌شوند و نتایج این فرضیه‌ها، با پژوهش‌های قبلی مقایسه و دلایل تأیید یا عدم تأیید آن‌ها با تبیین‌هایی بررسی می‌شوند.

فرضیه‌های مستقیم

فرضیه اول: بین سبک فرزندپروری (سهل‌گیرانه، مستبدانه، مقتدرانه) با کارکردهای اجرایی رابطه وجود دارد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سبک‌های مختلف فرزندپروری (سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) و کارکردهای اجرایی کودکان رابطه وجود دارد. به‌طور مشخص، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با کارکردهای اجرایی رابطه منفی و معنی‌دار، سبک مستبدانه فاقد رابطه معنی‌دار و سبک مقتدرانه با کارکردهای اجرایی رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. این نتایج با پژوهش‌های، کیان و همکاران (۲۰۲۴)، نسا و همکاران (۲۰۲۳)، روسوتی و همکاران^۱ (۲۰۲۴)، ماتسون^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، مالک^۳ و همکاران (۲۰۲۲)، بارو (۲۰۲۴)، روسکا و اویری^۴ (۲۰۲۴) همسو است.

درنتیجه، سبک مقتدرانه به رشد کارکردهای اجرایی و عملکرد بهینه شناختی و رفتاری کودکان کمک می‌کند. درمقابل، سبک سهل‌گیرانه با کارکردهای اجرایی پایین‌تر همراه است.

1- Russotti

2- Mattson

3- Malek

4- Roşca

والدین سهل‌گیر معمولاً انتظارات و محدودیت‌های روشنی برای فرزندان خود تعیین نمی‌کنند و نظارت کافی بر رفتار آن‌ها ندارند. در چنین محیطی، کودکان فرصت کمتری برای یادگیری خودکنترلی و رعایت قواعد پیدا می‌کنند. نبود ساختار و مرزبندی مشخص، سبب ضعف در مهارت‌هایی نظیر حافظه کاری، کنترل بازداری و برنامه‌ریزی می‌شود (Nasa et al., 2023؛ کیان و همکاران، ۲۰۲۴). در نتیجه، این کودکان ممکن است در تمرکز، پیروی از قوانین و حل مسئله با دشواری روبه‌رو شوند و رشد مهارت‌های اجرایی آن‌ها دچار وقفه شود.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های فرزندپروری از طریق میزان حمایت، نظارت و استقلال‌بخشی، نقش مستقیمی در پرورش کارکردهای اجرایی کودکان دارند. سبک مقتدرانه با ایجاد تعادل میان محبت و قانون‌مندی، رشد این مهارت‌ها را تسهیل می‌کند؛ درحالی‌که سبک سهل‌گیرانه به دلیل فقدان ساختار و سبک مستبدانه به دلیل کنترل افراطی، هر دو مانع رشد مطلوب کارکردهای اجرایی می‌شوند؛ بنابراین، یافته‌های این پژوهش بار دیگر بر اهمیت فرزندپروری مقتدرانه در شکل‌گیری مهارت‌های شناختی و خودتنظیمی تأکید دارد و نشان می‌دهد که انتخاب الگوی تربیتی متعادل، می‌تواند زیربنای توسعه توانایی‌های شناختی و رفتاری سالم در کودکان باشد.

فرضیه دوم: بین سبک‌های فرزندپروری (سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک‌های مختلف فرزندپروری (سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد. به‌طور مشخص، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با موفقیت تحصیلی رابطه منفی و معنادار دارد، سبک مستبدانه با موفقیت تحصیلی رابطه معناداری ندارد و سبک مقتدرانه با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های متعدد از جمله انجم^۱ و همکاران (۲۰۲۴)،

جانیوس^۱ و همکاران (۲۰۲۴)، بکا^۲ و همکاران (۲۰۲۴)، تسیلا^۳ و همکاران (۲۰۲۲)، منگ^۴ و همکاران (۲۰۲۵)، مادالنا^۵ و همکاران (۲۰۲۴)، الرجیحی^۶ و همکاران (۲۰۲۴)، هایک^۷ و همکاران (۲۰۲۲)، بوتینگ و همکاران (۲۰۲۱)، رحمان و همکاران (۲۰۲۱)، توس^۸ و همکاران (۲۰۲۱)، رئوف و همکاران (۲۰۱۷) و مسعود و همکاران (۲۰۱۶) همسو است.

نبود ساختار و چالش کافی در این سبک باعث می‌شود کودکان به اندازه کافی مهارت خودتنظیمی، پشتکار و تمرکز لازم برای موفقیت در تحصیل را کسب نکنند؛ اما در سبک فرزندپروری مستبدانه، هرچند والدین نظم و انضباط شدیدی اعمال می‌کنند؛ اما کمبود ارتباط عاطفی، انعطاف‌پذیری و حمایت روانی موجب می‌شود کودکان احساس امنیت و تعلق کافی نداشته باشند. فشار زیاد، کنترل افراطی و انتقاد مداوم در این سبک می‌تواند موجب کاهش انگیزه درونی، اضطراب، ترس از شکست و افت اعتماد به نفس شود (Meng *et al.*, 2025; Hayek *et al.*, 2022).

به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که سبک مقتدرانه بهترین پیش‌بین موفقیت تحصیلی است؛ زیرا ضمن حفظ نظم و انتظارات بالا، فضایی از محبت، ارتباط مؤثر و حمایت عاطفی فراهم می‌آورد که انگیزه و پشتکار تحصیلی را تقویت می‌کند. درمقابل، سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه هر دو به شیوه‌های متفاوت مانع رشد تحصیلی می‌شوند؛ اولی به‌دلیل نبود ساختار و انتظار، و دومی به‌دلیل فشار روانی و فقدان ارتباط مثبت.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که سبک فرزندپروری مقتدرانه، الگویی بهینه برای ارتقای موفقیت تحصیلی فرزندان است؛ زیرا تعادل میان استقلال، مسئولیت‌پذیری، محبت و نظم را برقرار می‌کند و از طریق پرورش مهارت‌های خودنظم‌دهی، انگیزش درونی و اعتماد به نفس، مسیر پیشرفت تحصیلی را هموار می‌سازد.

فرضیه سوم: بین کارکرد اجرایی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

-
- 1- Janius
 - 2- BEKA
 - 3- Tsela
 - 4- Meng
 - 5- Madalena
 - 6- Alrajhi
 - 7- Hayek
 - 8- Tus

نتایج به‌دست آمده از جدول شماره ۴ (مربوط به مدل پیشنهادی) نشان می‌دهد که کارکرد اجرایی با موفقیت تحصیلی، رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. این نتایج با پژوهش گونزنهاوزر^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، دی بروجن^۲ و همکاران (۲۰۱۸)، بیلی^۳ و همکاران (۲۰۱۸) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که کارکردهای اجرایی به‌عنوان مهارت‌های زیربنایی عمل می‌کنند که نظام‌های پیچیده و هدفمندی را شکل می‌دهند و پایه‌ای برای فرایندهای شناختی فراهم می‌آورند. رشد این مهارت‌ها در سال‌های اولیه زندگی بسیار حیاتی است و می‌تواند تأثیر عمیقی بر رشد همه‌جانبه کودک داشته باشد. تقویت کارکردهای اجرایی به توسعه مهارت‌های ادراکی و شناختی کمک می‌کند. این مهارت‌ها شامل توانایی‌هایی مانند برنامه‌ریزی، کنترل تکانه، مدیریت زمان و حل مسئله می‌شوند که همگی برای موفقیت تحصیلی ضروری هستند. به همین دلیل، ظرفیت عملکرد اجرایی کودکان به‌عنوان یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای پیشرفت تحصیلی آن‌ها شناخته می‌شود. درواقع، انعطاف‌پذیری کارکردهای اجرایی به این معناست که با تمرین و تجربه، این مهارت‌ها قابل تقویت و توسعه هستند (Billy et al., 2018).

فرضیه‌های غیرمستقیم

بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و موفقیت تحصیلی با واسطه‌گری کارکردهای اجرایی رابطه وجود دارد.

نتایج به‌دست آمده از جدول شماره ۴ (مربوط به مدل پیشنهادی) نشان می‌دهد که بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و موفقیت تحصیلی با واسطه‌گری کارکردهای اجرایی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

درمقابل، سبک فرزندپروری مقتدرانه، ترکیبی متعادل از حمایت و نظارت ارائه می‌دهد و محیطی امن و ساختاریافته برای کودکان فراهم می‌کند. والدین در این سبک قوانین و

1- Gunzenhausen

2- De Bruijn

3- Billy

انتظارات منطقی دارند؛ اما استقلال و آزادی عمل فرزندان را نیز حفظ می‌کنند. چنین فضایی باعث تقویت کارکردهای اجرایی می‌شود؛ کودکان یاد می‌گیرند برنامه‌ریزی کنند، کنترل رفتار و تکانه‌های خود را داشته باشند و در مواجهه با چالش‌ها تصمیمات مؤثری بگیرند. توسعه این مهارت‌ها به نوبه خود توانایی کودکان در موفقیت تحصیلی را افزایش می‌دهد. به عبارتی، سبک مقتدرانه از طریق تقویت مهارت‌های اجرایی به بهبود عملکرد تحصیلی کودکان کمک می‌کند (Tus et al., 2021; Brezetic et al., 2022؛ رحمان و همکاران، ۲۰۲۱؛ رئوف و همکاران، ۲۰۱۷؛ مسعود و همکاران، ۲۰۱۶).

به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه تأثیر قابل توجهی بر موفقیت تحصیلی دارند که کارکردهای اجرایی نقش واسطه‌ای مهمی در آن ایفا می‌کنند، در حالی که سبک مستبدانه اثر مستقیم یا واسطه‌ای معناداری نشان نمی‌دهد. این یافته‌ها اهمیت توجه والدین به ایجاد تعادل میان حمایت و نظارت و پرورش مهارت‌های اجرایی کودکان را برجسته می‌کند.

- ملاحظات اخلاقی پژوهش: تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.
- تعارض منافع: یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.
- قدردانی: از کلیه مادران مناطقی از شهر تهران که با شرکت خود در پژوهش، به روند اجرای طرح کمک کردند، سپاسگزاری و تخفیفی برای خرید از فروشگاه پوشاک در نظر گرفته شد.

منابع

- بخشوده، مریم و نکوئی، نفیسه سادات (۱۴۰۳). نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در رابطه بین فرزندپروری مثبت و پرخاشگری، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۱۲(۲)، ۱۹-۲۸.
- سهیلی، منصور؛ کاظمی، سلطانعلی؛ سهرابی شگفتی و نادره، برزگر. (۲۰۲۰). مدل علی سبک‌های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی با نقش واسطه‌گری سرزندگی تحصیلی. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۳(۳)، ۲۴۷۲-۲۴۸۳.
- عادلی، نینا و طالع‌پسند، نظیفی (۲۰۲۰). نقش انگیزش والدین در انگیزش خودمختار دانش‌آموزان برای انجام تکالیف شب: آزمون مدلی بر اساس نظریه خودتعیین‌گری. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۱۱(۱)، ۱۵۱-۱۶۸.
- Alrajhi, M. N., & Aldhafri, S. S. (2024). Predicting Students' Academic Achievement through Teaching and Parenting Styles: Self-Concept as a Mediator. *Education Research International*, 2024(1), 9614992.
- Anjum, W., Yasin, S. A., Gul, M., Sabri, T., & Nasir, A. (2024). Perceived Parenting Styles, Aggression, And Academic Performance Among University Students. *Kurdish Studies*, 12(4), 1062-1067.
- BEKA, D., & Osmani, Q. (2024). PARENTING STYLES AND ACADEMIC ACHIEVEMENT OF HIGH SCHOOL STUDENTS. *PHILOSOPHICA International Journal of Social and Human Sciences*, 11(22-23), 51-58.
- Brezetić, S. (2022). Mediating Role of Child's Executive Function Deficits in the Association of Parenting and School Success. *Psihologijske teme*, 31(3), 545-564.
- Cheung, K., Doyle, S., Clayton, K., Hanlon-Dearman, A., Unger, J. A., Budhoo, C., & Romaniuk, A. (2025). The Correspondence Between Executive Functioning and Academic Achievement Among Children with Prenatal Alcohol Exposure. *Children*, 12(7), 842.
- Dawson, P., & Guare, R. (2018). Executive skills in children and adolescents: A practical guide to assessment and intervention. *Guilford Publications*.
- De Bruijn, A. G. M., Hartman, E., Kostons, D. D. N. M., Visscher, C., & Bosker, R. J. (2018). Exploring the relations among physical fitness, executive functioning, and low academic achievement. *Journal of experimental child psychology*, 167, 204-221.
- Diamond, A. (2013). Executive functions. *Annual Review of Psychology*, 64, 135-168. <https://doi.org/10.1146/annurev-psych-113011-143750>.
- Hayek, J., Schneider, F., Lahoud, N., Tueni, M., & de Vries, H. (2022). Authoritative parenting stimulates academic achievement, also partly via self-efficacy and intention towards getting good grades. *Plos one*, 17(3), e0265595.

- Janius, N., Aniq, S. K. B. J. M., & Amdan, B. (2024). Parenting style on academic performance among secondary students at Kota Belud, Sabah. *International Journal of Science and Research Archive*, 12(2), 907-929.
- Jiang, H., Zhang, X., Zhang, Y., Yan, H., Yu, H., Tan, H. Y., ... & Yue, W. (2024). Effects of parenting styles on adult personality traits, depressive trait, and brain structure. *Asian Journal of Psychiatry*, 93, 103939.
- Kandel, D. B. (1990). Parenting Styles, Drug Use, and Children's Adjustment in Families of Young Adults. *Journal of Marriage and the Family*, 52(1), 183-196. <https://eric.ed.gov/?id=EJ412756>.
- Roşca, G. M., Iuga, I. A., & David, O. A. (2024). Inside-out mechanisms of parental practices and children's externalizing problems: the role of authoritarian parenting style, parental irrational beliefs, emotion regulation, and distress. *Current Psychology*, 43(4), 3292-3306.
- Russotti, J., Platts, C. R., Sturge-Apple, M. L., Davies, P. T., & Thompson, M. J. (2024). A process model of parental executive functioning as a spillover mechanism linking interparental conflict and parenting difficulties across parenting domains. *Developmental Psychology*.
- Tsela, D., Tsela, R. D., & López, I. G. (2022). Relations between parenting style and parenting practices and children's school achievement. *Social Sciences*, 12(1), 5.
- Tus, J. (2021). Amidst the online learning in the Philippines: the parental involvement and its relationship to the student's academic performance. *International Engineering Journal for Research & Development*, 6(3), 1-15.
- Yin, K., Wu, Q., & Gai, X. (2024). Comparative Analysis Between Directly Measured and Parent-Evaluated Executive Function: Predicting Children's Academic Achievement and Social Development in a One-Year Longitudinal Study. *Psychology research and behavior management*, 17, 2255-2270. <https://doi.org/10.2147/PRBM.S461720>.

